

منسوب نمود ولی امیرکبیر از رفتن به محل حکومت خودداری کرد و میخواست اقداماتی کند که شاه به علت خدمات او از این فرمان صرف نظر نماید، ولی مخالفان این امر را بهانه کردند و گفتند که امیر فرمان شاه را هم انجام نمی‌دهد.

امیرکبیر مایل بود که شاه را ملاقات کند و پس از تقاضاهای مکرر موفق گردید، او در این دیدار هم گستاخانه با شاه صحبت کرد، صاحب ناسخ التواریخ در این باره نوشته است.

«امیر به عرض رسانید که این مملکت را من به نظام آورده‌ام و این همه کارهای صعب را به کام آورده‌ام این دبیران و دفترخانه از من آراسته گشته و این لشگر و قورخانه از من پیراسته شده اگر من نباشم کیست که از بلدان منال دیوان را ارتفاع دهد و در انحای حدود و اقصای ثغور حراست قلاع و بقاع کند، من بودم که متمردين درگاه را تباه کرده‌ام و از برای هیچکس در ایران ملجا و پناه نگذاشتم، امروز به جای پاداش مرا کیفر نباید کرد و کار مملکت را تباه نباید داشت»

شاه دستور داد که امیر را خواه ناخواه به کاشان بفرستند و در حقیقت او را تبعید کرد، امیر در آنجا گفته بود.

«من اشتباه کرده بودم که تصور می‌کردم مملکت وزیر عاقل می‌خواهد، خیر مملکت پادشاه عاقل می‌خواهد.»

### نامه میرزا تقی خان امیرکبیر به ناصرالدین شاه

قربان خاکپای همایون مبارکت شوم، دستخط همایون زیارت شد، اولاً استفسار حال این غلام را کرده بودید، حکیم این غلام، موسی کلیکه و ملا محمد هر دو هستند، ثانیاً در باب سان سواره نانکلی مقرر فرموده بودید که در میدان نمی‌شود بیرون بروید، اگر آجودان باشی عرض کرده یا خود اختیار فرموده‌اید، امر با قبله عالم است. ولیکن به این ظفرها و امروز و فردا کردن و از کارگریختن در ایران به این هرزه‌گی حکماً نمی‌توان سلطنت کرد، گیرم که من ناخوش یا مردم فدای خاک پای همایون، شما باید سلطنت بکنید یا نه، اگر شما باید سلطنت بکنید بسم‌الله چرا ظفره می‌زنید، موافق قاعده کل عالم پادشاهان سابق چنان نبوده که همگی در سن سی ساله و چهل ساله بر تخت نشستند، در ده سالگی نشستند و سی و چهل سال در کمال پاکیزگی پادشاهی کردند.

هرروز از حال شهر چرا خبردار نمی‌شوید که چه واقع می‌شود و بعد از استحضار چه حکم می‌فرمائید از در خانه و مردم و اوضاع ولایات چه خبر می‌شود و چه حکم می‌فرمائید.

قورخانه و تویی که بایست باسترآباد برود رفت یا نه این همه قشون که در این شهر است از

خوب و بد و سرکرده‌های آنها چه وقت خواهند رفت و از حال هر فوج دائم خبردار شدید. همچنین بنده ناخوشم و بگیرم هیچ خوب نشدم شما نباید دست از کار خود بردارید یا دایم محتاج وجود یک بنده‌ئی باشید اگر چه جسارت است اما ناچار عرض کردم، باقی الامر همایون» (سند شماره ۱۹)

«قربان خاکپای همایونت شوم، دیشب بنده کمترین هم از میرزا محمدعلیخان شنیدم که جناب وزیر مختار دولت بهیه روسیه امروز شرفیاب حضور همایون خواهد شد، اما نفهمیدم که مطلب دارد یا دیدن محض است، اما استدعا دارم که اگر دیدن است امیدوار است که چنان مکالمه فرمایند که اگر بعد از اینها مطلبی در جواب و سوال لازم شود فدوی بگوید که حکم همایون است باور نماید و اگر مطلب عرض نماید امیدوار است که چنان جوابهای درست و در عین آرامی و ملایمت بفرمایند که بسیار مستحسن شود و نقل سیاهها و ابلچی انگلیس نشود که شش ماهست متصل می‌گوید که اعلیحضرت شاهنشاهی راضی بودند تو رفتی بر هم زدی اگر چه جسارت بود اما لازم بود که عرض شد باقی الامر همایون»<sup>(۱)</sup> (سند شماره ۲۰)

حادثه دیگری پیش آمد که موجب سوءظن شاه گردید. کار امیر را خراب کرد گراف دالکورکی وزیر مختار روس وقتی دید امیر از کار برکنار شده و میرزا آقاخان که تحت‌الحمایه انگلیس است به جای او به صدارت رسیده از ترس اینکه مبادا در عهد صدارت او منافع روسیه تحت‌الشعاع منافع انگلیس قرار گیرد به حمایت امیر برخاست و درصدد برآمد که جان او را از خطر برهاند و امیدوار بود اگر امیر زنده ماند، بار دیگر به صدارت برسد.

خانه امیر که نزدیک سفارت روس بود بدستور دالکورکی بوسیله عده‌ای قزاق روسی مورد حفاظت قرار گرفت.

مخالفان امیر این امر را وسیله بدنامی او قرار دادند و به شاه اظهار کردند که او با دولت روسیه روابط دوستانه دارد که از او حمایت می‌کنند.

میرزا آقاخان پس از رسیدن به مقام صدارت احساس کرد که تا امیرکبیر زنده است او نخواهد توانست با آسودگی خیال زندگی کند و ممکن است شاه از تقصیرات او بگذرد و به او دوباره مقام صدراعظمی بدهد.

مادر شاه و مخالفان امیرکبیر شاه را از وجود امیر هراسناک می‌کردند تا جائی که فرمان قتل او را از شاه گرفتند.



دست‌نویس تاریخی به خط نستعلیق، شامل چندین خط و عبارت است. در بالا عبارت «صاحب کاشان» به وضوح دیده می‌شود. متن دست‌نویس به شرح زیر است:

دست‌نویس: صاحب کاشان...  
 دست‌نویس: حضرت امیر...  
 دست‌نویس: امیر کاشان...  
 دست‌نویس: امیر کاشان...  
 دست‌نویس: امیر کاشان...

سند شماره ۲۰ - نامه امیرکبیر به ناصرالدین شاه

«چاکر استان ملائک پاسبان فدوی خاص دولت ابد مدت حاجی علیخان پیشخدمت خاصه فراش باشی دربار سپهر اقتدار ماموریت دارد که به فین کاشان رفته میوزا تقی‌خان فراهانی را راحت نماید و در انجام این ماموریت بین الاقربان مفتخر و به مراسم خسروانه مستظهر بوده باشد»

ناصرالدین شاه چندین مرتبه به تحریک مادرش و دیگران حکم قتل امیر را امضاء کرد ولی زود پشیمان شد و فرمان را پس گرفت در آخرین دفعه پس از امضای فرمان، مادرش به حاجب‌الدوله گفت با سرعت به کاشان برو و امیر را که در تبعید بود از میان بردارد.

این بار هم شاه پشیمان شد دستور داد حکم را اجرا نکنند ولی گفتند حاجب‌الدوله برای اجرای فرمان به کاشان رفته است، ماموری را بدنبال حاجب‌الدوله فرستادند ولی او به کاشان رسیده و کار امیر را تمام کرده بود.

بهر حال ناصرالدین شاه از قتل امیر بسیار ناراضی و ناراحت بود و همیشه هر وقت بی‌ترتیبی در کارها می‌دید با تأسف می‌گفت جای امیر خالی است.

وزیر خارجه انگلستان به کلنل شیل وزیر مختار انگلیس در ایران نامه‌ای نوشته و به قتل امیرکبیر اعتراض کرده و در پایان نامه نوشته است:

«... علاوه بر این بدولت ایران اعلامی صریح خواهید داد که هرگاه پس از این قتل بی‌رحمانه مرحوم امیرگناهان دیگر از این قبیل صدور یابد بر دولت انگلیس لازم خواهد شد که بدقت پیروند که آیا شایسته فخرناج انگلیس و لایق حقوق مملکت آدمی منش انگلستان است که وزیر مختار انگلیس مقیم مملکتی باشد که آنجا مشاهده کند ارتکاب اموری را که اینقدر مصادم انسانیت باشد» امیرکبیر یکی از مردان بزرگ ایران است که برای اصلاح وضع اجتماعی و اقتصادی فعالیت بسیار کرده است.

او متملقان و چاپلوسان و درباریان بیکاره را از دربار اخراج و حقوق و مزایای آنها را قطع و حکام ظالم و پول پرست را از حکومت عزل کرد و متخلفان را به مجازات رسانید.

شعرای متملق را از دربار براند از جمله قائنی که وقتی امیر به صدارت رسید قصیده‌ای در مدح او و بدگویی از حاج میرزا آقاسی سروده بود.

کز وگشود باب درز حضی از حصارها	ز سعی صدر نامدار مهین امیر دادگر
که مومنان متقی کنند افتخارها	به جای ظالمی شقی نشسته عادل‌ی تقی
که سر ز آفرین شه به عرش سودبارها	امیر شه امین شه یسار شه یمین شه
اتابک شه عجم امین شهریارها	یگانه صدر محترم مهین امیر محتشم
مدار انتظامها عیار اعتبارها	قوام احتشامها عماد اعتبارها

امیر پس از شنیدن اشعار او دستور داد او را چوب زدند تا برای شعرای دیگر درس عبرتی باشد و دست از تملق و چاپلوسی بردارند.

امیرکبیر راهنمای شاه قاجار بود و تصمیم داشت ایران در راه ترقی و پیشرفت قدمهای بزرگی بردارد و از قافله تمدن عقب نماند ولی متأسفانه بی‌تجربه بودن شاه و فعالیت‌های مخالفان او که همه امتیازات خود را از دست داده بودند و همچنین تحریکات مادر ناصرالدین شاه بر علیه امیر، سرنوشت او و ایران را تغییر داد.

یکی از مسائلی که بعضی محققان در ارزش یابی و معرفی سلاطین و فرمانروایان به آن توجه بسیار کرده‌اند، مشخصات اخلاقی است و آنها بدون توجه به خدمات و اقدامات اساسی، درباره

سلاطین اظهار نظر کرده‌اند که دور از حقیقت است.

به عنوان مثال نوشته‌اند که نادرشاه در اواخر عمر خشن و سفاک گردید و بسیاری از بزرگان را کشت و پسرش را نیز کور کرد و در نتیجه او را به بدی یاد کرده‌اند، ولی توجه ننمودند که نادرشاه کشور ایران را از چنگ افغانه، عثمانی بیرون و استقلال از دست رفته ایران را دوباره بدست آورد. در ارزش یابی و معرفی آقامحمدخان قاجار، بعضی فقط کورکردن عده‌ای از مردم کرمان را در نظر گرفته‌اند ولی اخراج روسها و عثمانیها را از ایران و ایجاد وحدت حکومت مرکزی که بعد از صفویه از میان رفته بود مورد توجه آنها واقع نشده است.

نویسنده دیگری که شرح حال امیرکبیر را نوشته اظهار نظر کرده که او در اداره مملکت گاهی برخلاف عدالت رفتار نموده از جمله حقوق سالیانه مرا قطع کرده است.

وظیفه اصلی و مهم سلاطین و فرمانروایان، حفظ استقلال و تمامیت مملکت، ایجاد امنیت، برقراری عدالت اجتماعی، توسعه تمدن و فرهنگ، توسعه تجارت و کشاورزی است. خساست، خشونت، بیرحمی و عیاشی گرچه مذموم است ولی نباید باعث شود که خدمات اصلی و ارزنده آنها مورد توجه واقع نشود و برخلاف واقع بر علیه آنها اظهار نظر نمایم.

پس از چندی که از قتل امیر گذشت و خدمات او بیشتر محسوس گردید ناصرالدین شاه اظهار ندامت و پشیمانی می‌کرد بطوریکه در یکی از نامه‌ها نوشته است:

«اگر ما در اوایل سلطنت خود تجربه امروز را داشتیم میرزا تقیخان امیرنظام امروز صدراعظم این مملکت بود» یکی از روزها که ناصرالدین شاه به یاد امیر و واقعاً متأسف بوده قلم بدست گرفته صورت امیر را نقاشی کرده وزیر تابلو نوشته است جای امیر خالی است.

### آثار و ابنیه که بدستور امیر ساخته شده است

یکی از بناهایی که بدستور امیر ساخته شده ساختمان بازار امیر است، دیگر ساختمان مسجد و مدرسه شیخ عبدالحسین واقع در انتهای بازار امیر، دیگر ساختمان کاروانسرای امیر است که برای سکونت تجار ساخته شده و دارای اطاقهای زیاد است.

دیگر بنای فعلی امامزاده زید(ع) که از آثار مذهبی و تاریخی است که بدستور امیر ساخته شده است تعمیر پل خواجه در اصفهان که در اثر مرور ایام رو به تهدام رفته بود.

دیگر ساختمان سربازخانه مهراں در خارج تهران بود که از میان رفته دیگر سد گرگان است که روی رودخانه گرگان بسته شده (سال ۱۲۶۷)

## قرارداد رژی

قرارداد رژی

یکی از علل عدم رضایت روشنفکران این دوره انعقاد قرار داد رژی است که مورد مخالفت روحانیان، بازرگانان و سایر مردم قرار گرفت و منجر به لغو قرارداد گردید.

در ۸ مارس ۱۸۹۰ م ۲۸ رجب ۱۳۰۸ امتیاز فروش تنباکوی ایران و نظارت بر تولید آن به مدت پنجاه سال به یک تبعه بریتانیایی به نام ماژر جرالده تالبوت اعطا شد، در ازای این امتیاز دولت ایران، طبق ماده ۱ - مبلغ ۱۵۰۰۰ لیره در سال و طبق ماده ۳ یک چهارم از سود خالص شرکت را پس از کسر ۵ درصد سود سهام صاحبان امتیاز، دریافت می کرد.

طبق ماده ۲ - صنف فروشندگان تنباکو و توتون باید از صاحبان امتیاز مجوز دریافت می کردند. در ماده ۷ حکومت ایران متعهد شد که عوارض مالیات و حقوق گمرکی تنباکو و توتون را به مدت ۵۰ سال افزایش ندهد.

طبق ماده ۶ - صاحبان امتیاز متعهد شدند که تمام توتون و تنباکوی تولیدی ایران را نقداً خریداری کنند و بهائی هم به مالک یا زارع داده می شود با موافقت و رضایت طرفین تعیین و در صورت اختلاف به حکمیت مرضی الطرفین رجوع داده شود.

طبق ماده ۱۰ - تولیدکننده یا مالک موظف است که هر وقت توتون و تنباکوی خود را برداشت کرد به نزدیکترین نماینده صاحبان این امتیاز اطلاع دهد که میزان محصول جمع آوری شده وی چقدر است تا صاحبان امتیاز بتوانند آن را خیلی زود خریداری کنند.

زارعین دختانیات طبق شرایط معینی که با دولت ایران موافقت خواهد شد محق هستند که از بابت قیمت توتون و تنباکوئی که به کمپانی می فروشند مبلغی به عنوان مساعده دریافت کنند.

به بازرگانان توتون و تنباکو حق داده شده بود در ظرف شش ماه با کمپانی شریک شوند و از سهام کمپانی خریداری نمایند یا نمایندگی کمپانی را در شهرها بپذیرند.

روحانیان و بازرگانان توتون و گروهی از مردم به پیروی آنها در شهرهای بزرگ ایران به مخالفت با قرارداد انحصار دختانیات برخاستند<sup>(۱)</sup>

## صورت امتیازنامه (قرارداد رژی)

«صورت فرمان امتیاز تنباکو و توتون منوئل خرید و فروش و ساختن در داخل یا خارج - کل توتون و تنباکویی که در ممالک محروسه به عمل آورده می شود تا انقضای مدت پنجاه سال از تاریخ امضاء این انحصار نامه به ماژور تالبوت و به شرکاء خودشان مشروط به شرایط ذیل مرحمت و واگذار فرمودیم.

**فصل ۱-** صاحبان این امتیاز نامه همه ساله مبلغ پانزده هزار لیره انگلیسی به خزانه عامره اعلی کارسازی خواهند نمود، اعم از اینکه از این کار نفع ببرند یا ضرر، این پول هر ساله در پنج ماه از سال گذشته پرداخت می شود.

**فصل ۲-** فقط محض تعیین از تنباکو و توتونی که در ممالک محروسه به عمل آورده می شود، صاحبان این امتیاز ثبت از زارعی که می خواهد عمل زراعت این امتیاز را بکنند نگاه خواهند داشت و دولت علیه به حکام محلیه حکم اکیدی خواهد فرمود که زارعین تنباکو و توتون را مجبور به دادن ثبت نمایند و اذن و اجازه نامچه از برای فروش و معامله و غیره توتون و تنباکو و سیگار و سیگارت و انقیه و غیره حق خالص صاحبان این امتیاز است و احدی جز صاحبان این امتیاز نامه حق صدور اجازه نامهجات مزبور ندارند و نخواهند داشت. اصناف توتون و تنباکو فروش که مشغول این حرفند در کسب معاملات داخله خود برقرار خواهند بود مشروط به داشتن اجازه نامه ها که دارنده امتیاز خواهد داد.

**فصل ۳-** بعد از وضع جمیع مخارج متعلق به این عمل و تقسیم صدو پنج سرمایه خودشان بین صاحبان این امتیاز، یک ربع منافع باقیمانده سال به سال تسلیم خزانه عامره اعلی خواهند نمود، دولت ایران حق واریسی به دفاتر هر ساله آنها خواهد داشت.

**فصل ۴-** جمیع اسباب کارخانه و ملزومات این کار که صاحبان این امتیاز داخل ممالک محروسه می آورند از جمیع عوارضات گمرکی و غیره آزاد خواهد بود.

**فصل ۵-** حمل و نقل توتون و تنباکو در ممالک محروسه بلااجازه صاحبان این امتیاز ممنوع است مگر آنچه که مسافرین برای استعمال یومیه خودشان همراه داشته باشند.

**فصل ۶-** صاحبان این امتیاز باید جمیع توتون و تنباکویی که در ممالک محروسه به عمل آورده می شود، ابتیاع و در عوض آن نقد کارسازی نمایند تا آن درجه که قابل استعمال باشد، تمام باید تنباکو و غیرها که فعلاً موجود است ابتیاع نمایند قیمت که باید به عمل آورنده یا مالک داده شود، دوستانه بین عمل آورنده یا مالک و صاحبان این امتیاز قرار خواهد شد، ولی در صورت عدم



رضایت طرفین به حکمیت مرضی الطرفین رجوع خواهد شد و حکم قطعی مجری خواهد شد.

**فصل ۷-** دولت علیه متقبل می شود که به هیچ وجه علاوه و اضافه بر مالیات و عوارضات و رسوم گمرک حالیه درباره توتون و تنباکو و سیگار و سیگارت و انغیه تا انقضاء مدت پنجاه سال از تاریخ امضای این امتیاز نامه ننمایند. همچنین دارنده امتیاز و شرکای او متعهدند که تمام رسوماتی را که بالفعل از تنباکو عاید دولت علیه ایران می شود کماکان عاید گردد.

**فصل ۸-** هرکس یا کسانی که بخواهند از این فصل گریزی اختیار نمایند مورد سیاست و مجازات دولت خواهند بود و هرکس یا کسانی که در پیش آنها خفیه تنباکو و توتون و غیره به جهت فروش این معامله پیدا بشود به جریمه و سیاست سخت دولت گرفتار خواهند شد.

**فصل ۹-** صاحبان این امتیاز مختار خواهند بود تمام حقوق یا امتیازات و یا تعهدات و غیره خود را به هرکس یا کسانی که میل دارند منتقل نمایند ولی قبل از وقت به اولیای دولت اطلاع خواهند داد.

**فصل ۱۰-** عمل آورنده یا مالک توتون و تنباکو هر وقت توتون یا تنباکوی خود را حاصل نمود باید خود به نزدیکترین وکیل صاحبان این امتیاز اطلاع بدهد که حاصل ایشان به چه مقدار است تا این که صاحبان این امتیاز نامه بتوانند تعهدات مقرر فوق را در فصل ششم به موقع اجراء گذارند و آن را به زودی ایتباع نمایند.

**فصل ۱۱-** صاحبان این امتیاز حق نخواهند داشت اراضی ایتباع نمایند مگر به اندازه لزوم اجرای این امتیاز نامه به جهت انبار و مورد لزوم آن.

**فصل ۱۲-** زارعین بر طبق تفصیل شروطیات که از جانب صاحبان این امتیاز به همراهی دولت مقرر می شود. محق باشند که به اندازه (فی) برای حاصل خود پیشکی به آنها داده شود.

**فصل ۱۳-** اگر از تاریخ امضاء این امتیاز نامه تا انقضاء مدت یک سال کمپانی اجزای آن تشکیل نشود و شروع کار نشود این اعتبار نامه از درجه اعتبار ساقط و باطل خواهد شد، مگر این که جنگ یا امثال آن مانع تشکیل کمپانی باشد، واقع شود.

**فصل ۱۴-** در صورت وقوع اختلاف مابین دولت علیه ایران و صاحبان امتیاز، آن اختلاف رجوع به حکمیت مرضی الطرفین خواهد شد و در صورت عدم امکان رضایت طرفین، حکم اختلاف را رجوع به حکمیت قطعی، حکمی به تعیین یکی از نمایندگان دولت اتازونی یا آلمان یا اطریش مقیم تهران خواهد شد.

**فصل ۱۵-** این امتیاز نامه به دو نسخه، بین دولت علیه ایران و مازور بایست به امضای

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و ثبت وزارت امور خارجه مبادله شده و مضمون فارسی آن محل اعتناء خواهد شد. تاریخ مطابق ۲۸ رجب ۱۳۰۸ تمام شد<sup>(۱)</sup>

ایراز مخالفت روسیه با قرارداد رژی شروع شد و سفیر روسیه از جانب حکومتش به استناد ماده اول قرارداد ترکمن چای تقاضای لغو امتیاز نامه را نمود.

ولف Wolff سفیر بریتانیا در تهران به وزیر خارجه انگلستان می نویسد:

«چنین بر می آید که این امتیاز خیلی به نفع زارع خواهد بود، او در مقابل تنباکوش پول نقد دریافت می دارد و نیز حق دارد برای محصولش مساعدت دریافت کند، در عمل کشاورزان پی خواهند برد که امتیاز رژی به نفع آنان است، این امتیاز به رژی حق توسعه فعالیت در زمینه محصولات دیگر علاوه بر تنباکو را می دهد که برای زارعین که در حال حاضر در چنگال تعدیات رباخواران محلی اسیرند بسیار سودمند خواهد بود.»

ولف دریافت کرده بود روسیه با چنین امتیازی که به انگلیس داده شده مخالف است، او عقیده داشت یک شرکت بین المللی از سرمایه داران فرانسه، آلمان و روسیه و دیگر کشورهای اروپائی تشکیل شود. در داخل کشور از جمله در شیراز، اصفهان و تبریز شدیدترین مخالفت ها بر علیه شاه و امین السلطان شروع گردید که نقش روحانیان در ایراز مخالفت بسیار مؤثر بوده است. امین السلطان به حاکم شیراز دستور داد که به شاکیان اطمینان دهد که آنان از این امتیاز سود خواهند برد و هیچ ضرری به آنان وارد نخواهد شد ولی مردم با قرارداد رژی ایراز مخالفت کردند و خواستار خروج نماینده شرکت از شیراز شدند.

### نامه‌ئی از «آلکسی اشپسیر» شارژ دافر سفارت روسیه

درباره قرارداد مخاطب نامه امین السلطان است.

جناب جلالتماآب اجل اکرم اشرف ارفع افخم اعظم دوستان استظهارا، مشفقا مکرما معظما مهربانا. امیدوارم وجود مسعود اجل اشرف اعظم عالی قرین سلامت و استقامت و از همه آفات و ناملایمات مصون و محفوظ بوده باشد و اگر از راه محبتهای مخصوص از حالت دوستدار بخواید بحمدالله تعالی حالم خوب و در بیلاق بگردش می گذرد. برخاطر محترم عالی واضح است که

بنا حدیثی است که در آن آمده است که هر که در راه خدا  
 کشته شود یا در راه خدا کشته شود یا در راه خدا

در راه خدا کشته شود یا در راه خدا کشته شود یا در راه خدا

و محفوظ بوده با دار الله و محبت خداوند عز و جل

حکم خوب در سلف گذشت میفرمودند و در راه خدا کشته شود

در راه خدا کشته شود یا در راه خدا کشته شود یا در راه خدا

ما در راه خدا کشته شود یا در راه خدا کشته شود یا در راه خدا

لکن در راه خدا کشته شود یا در راه خدا کشته شود یا در راه خدا

و کار در راه خدا کشته شود یا در راه خدا کشته شود یا در راه خدا

خبر از راه خدا کشته شود یا در راه خدا کشته شود یا در راه خدا

۱۳۹۶

دوستدار در هر حال از خیرخواهی و صلاح اندیشی خودداری ندارد. از قرار مسموع لایحه قرارنامه میانه دولت علیه ایران و کمپانی دخانیات نوشته شده، اینفقره را لازم دید که بجانب مستطاب اجل اشرف اعظم اظهار و خاطر نشان نماید که این امر کوچکی نیست و کار بزرگی است تعجیل در آن نباید کرد و قرار آخر را بدون مشورت با دوستان خیراندیش (که دوستدار هم خود را از آن جمله می‌داند) نباید نمود تا خدای نخواستہ پشیمانی حاصل نشود، اگر اینکار داخله است ولی باقتضای دوستی مخصوص اظهار آن از دوستدار خارج نیست - احترامات فائقه را قبول فرمائید.

### قیام مردم اصفهان بر علیه قرارداد رژی

مردم اصفهان نیز با قرارداد رژی اعلام مخالفت کردند و بدستور مقامات روحانی به درب مساجد و دیوارها اعلاناتی چسباندند و استعمال تنباکو را حرام و حمایت کنندگان را مرتد اعلام کردند و نوشتند که آنها را به مسجد و حمام راه نمی‌دهند.

شیخ محمد تقی آقا نجفی، از روحانیان مشهور و صاحب نفوذ اصفهان بود و در آن شهر مرجعیت داشت و خانه‌اش پناهگاه مردم در برابر حکومت استبدادی ظل‌السلطان بود و از تعدیات او برای احقاق حقوق مردم جلوگیری می‌کرده است.

در قیام مردم تهران و شیراز و تبریز، او نیز قیام مردم اصفهان را بر علیه قرارداد رژی با کمک شیخ محمدعلی ثقة‌الاسلام و ملا باقر فشارکی رهبری می‌کرد و جریان مخالفت مردم را با قرارداد رژی به تهران مخابره نمود.

### تلگراف از اصفهان در خصوص مخالفت با قرارداد رژی

«دیروز شبیه را «آقا نجفی» و «شیخ محمدعلی» اعلانات چندی درب مساجد و معابر چسباندند استعمال تنباکو را حرام و حمایت کنندگان فرنگی را مرتد و عملجات دخانیات را نجس خوانده و نوشته‌اند کسی از این جماعت را که دخالت در کار فرنگی دارند بحمام و مسجد و سقاخانه راه ندهند، در حمامها و قهوه‌خانه‌ها و مجالس علما و تجار و غیره قلیان موقوف است، طلبه‌ها در هر نقطه که قلیان دیده شکسته‌اند حتی در میان خود مذاکره دارند که باید اجماعاً رفت قهوه‌خانه حضرت والا را هم برچید، هر جا که فرنگی دیده می‌شود مردم دنبالش کرده داد و فریاد می‌نمایند.

دیروز جمعی فرنگی را دنبال کرده هرزگی و بعضی حرفها زده بودند، حضرت والا چند نفری از آنها را فوراً چوب زیادی زدند «ملا محمد باقر» قدری با ادب تر «آقا نجفی» و شیخ محمدعلی «پی‌پرده

خیلی کلمات ناشایسته بی معنی می‌گویند. سایر علما تماماً در باطن با آنها همراهی دارند، این دو نفر تا بحال جرأت این حرکات را نداشتند چند روزی است معرکه می‌کنند، از قرار مذکور کاغذی از نجف و «سرمن رأی» برای آنها رسیده، پریروز امام جمعه بیعت حضرت والا رفته ظاهراً و باطناً با حکومت گویا همراه است، حضرت والا هم نوکرهای شخصی خود را حاضر و مستعد کرده‌اند تا چه شود، حضرت والا بتوسط ملاباشی خودشان به آقا نجفی پیغام داده بودند، «شراب که از تنباکو نجس‌تر است همان قدر که در باب خمر نهی دارید در باب تنباکو هم همان قدر بگوئید این اقدامات چه چیز است؟» جواب داده بود «تکلیف شرعی ما این است، شما هم بتکلیف عرفی خودتان اقدام کنید». بتاريخ ۱۹ شهر ربیع‌الثانیه سنه ۱۳۰۹



از این کتاب که از علمای اسلام است

برخی از این خط

بمقام حضرت آقا محمد تقی شاه در روز شنبه در این مجلس شریف  
 و مقامات شریفانه و بسیار با کرامت و کرامت که در این مجلس  
 عوینت قیامت و کبریا اند و نوشته که یکی از این عوینت که در این مجلس  
 و صفای راه و این در میان و همسر من و یکی از فرزندان قیامت شریفانه  
 قیامت که نوشته که یکی از این و در کوزه که در این مجلس شریفانه  
 یکی از این در این مجلس که در این مجلس که در این مجلس که در این مجلس  
 حضرت آقا محمد تقی شاه در این مجلس که در این مجلس که در این مجلس  
 بی‌درد و بی‌گناهی است که در این مجلس که در این مجلس که در این مجلس  
 از این کتاب که از علمای اسلام است

## تلگرافی است از «ظل السلطان»، تحریکات علما را در اصفهان

بر ضد قرارداد رؤی بشاه گزارش داده است.

«از اصفهان - قربانب خاکپای جواهر آسای مبارکت شوم - اگر چه مفصلاً همراه چاپار پست زاپورت روز پنجشنبه و جمعه «آقا نجفی» و برادرش «شیخ محمدعلی» و «ملا باقر فشارکی» را عرض کرده‌ام ولیکن بواسطه اعلاناتیکه در کوجه‌ها چسبیده‌اند و هر جا که فرنگی را می‌بینند داد و فریاد می‌کنند، لاعلاج دیدم بتوسط تلگراف عرض کنم، در این دو روزه در میدان مصلی که در تخت فولاد است اجماعی کرده‌اند که در منبر رفته برضد دولت در باب تنباکو و بانک و غیره مطالب بگویند، آن جمعیت چون خارج و نزدیک جلفا بود، غلام بسیار متوحش شد که اسباب اغتشاش کلی نشود، «رکن‌الملک» و «کریمخان میرپنجه» را با سوار فرستاد و آن جمعیت را پراکنده کرد و مشایخ را مانع از رفتن آنجا شد، ولی این غلام نمی‌دانست در منبر و مسجد و خانه‌شان چه می‌گویند و در مجلس درس چه مذاکره می‌نمایند؟ در این سه جا کشیدن قلیان را حرام و کشت و زرع تنباکو را حرام اندر حرام و حامی فرنگی را «کافر و واجب‌القتل» و نوکر و بستگان آنها را «نجس‌العین» اعلان کرده‌اند، زیاده بر آنچه تصور بشود اظهار فضولی و جرأت کرده‌اند و کلمات ناشایسته بزبان آورده‌اند، بخصوص «شیخ محمدعلی» برادر «آقا نجفی»، این غلام هم در همه جا بیش از قوه خود جلوگیری از آنها کرده همه اعلانات را کند و چند نفر هم از اشخاصی را که دنبال فرنگی‌ها فریاد کرده بودند بچنگ آورده تنبیه کرد، با حالت ناخوش که در بستر افتاده‌ام بیش از قوه خودم واستعدادیکه دولت بمن داده است و حدی که مشخص کرده است جتنبیده‌ام، نفس کسی بخلاف قانون بیرون نیامده است، ارزانی و فراوانی هم در کمال خوبی است، ولیکن این مشایخ سئیه که بنمک مبارک و بچیقه مبارک که عقل ذیعقول از حرکات آنها مات می‌ماند که بچه پشتگر می و بچه اطمینان این حرکات از آنها ناشی می‌شود و خود را مثل شب پره بشعله سخط و غضب دولت می‌زنند، باین جزئی حرکات غلام آرام نمی‌گیرند، گمان غلام این است که اگر آنها از طرف شخص همایونی نصیحت یا مؤاخذه سخت و بازخواست نبینند آرام نگیرند و رفته رفته اسباب زحمت بزرگی فراهم می‌آورند، اگر چه این غلام ناخوش است، افتاده و گرفتار با درد و همه جور مرض است اما برای نثار جان در راه ولینعمت و انجام فرمایشات همایونی بهر چه حکم بفرمایند اطاعت می‌کنم و انجام می‌دهم و جان خود غلام در آن راه تصدق شود اسباب افتخار بازماندگان است - غلام بیمقدار «مسعود قاجار» مهر تلگرافخانه



شماره ۲۳ - تاریخ شهریور ماه ۱۲۸۳ - احمد اصفهان

شماره	مقدار کلمات	تاریخ منگ		اطلاعات
		ساعت	دقیقه	

قریباً یک چارم برای یک شوم اگر چه بعضاً همراه تجارت را برت زود بختند و حسب آقا نجفی و بهر آنکه  
 شیخ محمد علی در آن قرارداد که منضم کرده ام و یکین در وسط است میگوید که در آن حساب شده است و در آن که فرقی از آن نیست  
 و فریاد می کنند و این را بدیدم بر طرف کردن حق کج در آن روز و در رسیدن آن حق که در آن روز است و این حساب  
 که در آن روز بر ضد دولت در باب است که در آن یک دفتر مطالب که بنده آن نیست و آن حق را در آن یک صفا بود  
 بسیار خوش شده است بسیار خوشی که نمود که آن یک در آن روز که با روز داشت و او آن حق را که در آن  
 بشمار آن را مع آن روز شوم که باشد ولی این مع آن است و این روزی شمی نشان بر میگوید و در آن حساب کرده  
 نیند در این حساب که است و این از آن است که در آن حساب کرده و این حساب که در آن حساب کرده  
 که در آن حساب که در آن حساب کرده و این حساب که در آن حساب کرده و این حساب که در آن حساب کرده  
 به این آن روز که در آن حساب کرده و این حساب که در آن حساب کرده و این حساب که در آن حساب کرده  
 اعتبار است که در آن حساب کرده و این حساب که در آن حساب کرده و این حساب که در آن حساب کرده  
 آن حساب که در آن حساب کرده و این حساب که در آن حساب کرده و این حساب که در آن حساب کرده  
 آن حساب که در آن حساب کرده و این حساب که در آن حساب کرده و این حساب که در آن حساب کرده

شماره ۲۳ - تاریخ شهریور ماه ۱۲۸۳ - احمد اصفهان

## پیشنویس تلگرافی است با خط «ناصرالدینشاه» که در آغاز جنجال

«رژی» به «ظل السلطان» مخایره شده است.

«ظل السلطان - اینروزها بعضی اخبارات از اصفهان بعرض رسیده است که خیلی جای تعجب و حیرت است که چرا مردم بی جهت و بی سبب آسودگی و امنیت خود را کنار گذاشته دنبال این نوع کارهای بی معنی و خطرناک بروند، مثلاً بعرض رسیده است که مردم بر ضد رعایای خارجه و فرنگیان حرف می‌زنند، و همچنین علمای اعلام استعمال دخانیات را حرام دانسته‌اند، و همچنین فقره بانک مزخرفات می‌گویند، اولاً باید شما و علما و مردم این فقره را بدانید که دولت و شخص پادشاه در حق رعیت از همه مهربان‌تر است و آسودگی آنها را طالب و باید بدانید که اگر در امری دولت بداند که برای مملکت و استقلال و شریعت ضرری وارد بیاید اول کسی که در دفع آن بکوشد دولت است: پس هر حکمی و هر کرای که دولت می‌کند و اجرای او را مصلحت می‌داند باید بدانند که آن کار مصلحت مملکت و رعیت و دولت است و ابدأ چون و چرایی بزیان نیاورند.

دولت برای مملکت و رعیت خودش از همه دلسوزتر و مهربان‌تر است و اگر غیر از این باشد و بر ضد حکم دولت سخن بگویند واضح است که منتهای فضولی و جسارت است و البته همچو اشخاص تنبیه و تأدیب و سیاست سختی را لازم دارند و بر عهده دولت واجب و لازم است که در همچو مقام آنچه لازمه کیفیت و مجازات است بمردم ندادن بدهد و بفهماند که خلاف احکام دولت را کسی نمی‌تواند.

در فقره عمل تنباکو و دخانیات قرارنامه‌ئی با کمپانی آنکار بسته شده است که سواد آن در پیش شما حاضر است، چرا نمی‌دهید مردم ملاحظه نمایند؟ البته بعد از دیدن آن قراردادها خواهند فهمید که چقدر دقت در آن کار شده است که به احدی ضرری وارد نیاید.

علاوه بر آن قراردادها باز هم کمپانی را وادار کردند که برای فروشنده و خریدار تسهیلاتی بدهد و داده است. دیگر اینکار را چرا باید مردم اینقدر نفهمیده و نستجیده دنبال بکنند که اسباب اغتشاش و مفسده بشود؟ و بالاخره اسباب کدورت و تقار در میان دولت ایران و انگلیس فراهم نماید. تنباکو چرا حرام می‌شود؟ زارع مسلمان، فروشنده مسلمان، خریدار مسلمان، دیگر جهة تحریم او را نفهمیدیم چه چیز است؟ و چرا باید نجس باشد؟ همینکه اسم کمپانی انگلیسی روی تنباکو باشد بچه سبب باید نجس بشود؟ پس قند و چای و امته و اقمشه و این همه متاع‌های فرنگی که در همه بازارهای شهرها ریخته است و همه کس می‌خرد و استعمال می‌کند باید تمام ایران و دنیا نجس و نجس‌العین شده باشند.



چرا باید علما و مردم حرفی بزنند که اینقدر بی معنی و سخیف باشد؟ مثلاً بانک را بد می دانند! این چه حرف رکیک بی معنی است؟ رعایای دول خارجه از صد سال باینطرف مأذون و مجاز هستند موافق عهدنامه های «آقامحمدخان» و «فتحعلی شاه» و «محمد شاه» که هر نوع معاملات را در ایران و هر نوع تجارت را بکنند، تنها این است قبل از این صراف خانه های خرده و تک تک وجود داشته حالا آنها را تحت قاعده آورده اسمش را بانک گذاشته اند، نمی دانم این مزخرفات را کی می گوید؟ و کی بدهان خواص و عوام می اندازد؟ این ها هیچکدام کار تازه نیست، فرنگیان و تجارت و معامله گری آن ها از صد سال متجاوز است که در ایران معمول است.

خلاصه این دستخط تلگرافی را به جنابان علمای اعلام بلکه بهمه اصفهان بدهید ملاحظه نمایند و جواب را بعرض برسانید که تکلیف دولت معلوم شود و البته یقین داشته باشید که اگر در این نوع حرف های بی معنی امتدادی بدهند تکلیف از ما ساقط شده آنچه لازمه سیاست است خواهیم فرمود.» سند شماره ۲۴



بازرسی شد  
تاریخ ۱۳۰۳  
شماره ۲۴

موضوع	تاریخ	محل	ملاحظات
بازرسی نمود که بانک که در کتبخانگی حضرت ناصرالدین شاه بنا شده است چه چیز است؟			
بنیان این بانک بر چه اساسی است و چه چیز است که در آنجا جمع شده است؟			
مقامات نام کرده اند که در این بانک چه چیز است که در آنجا جمع شده است؟			
در قسمت بنیاد نام فرموده شده است که در این بانک چه چیز است که در آنجا جمع شده است؟			
آنچه در آنجا را دیده ام هر چه بود است. از مدارش می توان دانست که در آنجا چه چیز است؟			
بنیان این بانک بر چه اساسی است و چه چیز است که در آنجا جمع شده است؟			
مقامات نام کرده اند که در این بانک چه چیز است که در آنجا جمع شده است؟			

تاریخ ۱۳۰۳  
شماره ۲۴



انداختید که قلبان را ترک نمائید و این همه قال و مقال و اسباب بی‌نظمی را در پایتخت فراهم آورده، آیا بهتر نبود که متفقاً یا تنها عریضه می‌کردید در دفع عمل؟ ما هم که در تدارک بودیم بدون این های‌هو و ترک قلبان همین طور که به انجام رسید احکام صادر می‌شد. بعد از آن جاجروود به جناب امین‌السلطان و نایب‌السلطنه حکم شد مجلسی از علماء و وزراء فراهم بیاورند. سؤال شود که خلاف شریعت در این قرازنامه در کجاست بنمائید تا رفع شود. مجلس اول همه حاضر شدند به جز شما که تمارض کرده بودید. جهت و معنی این را نفهمیدم، مجلس دیگر که حاضر شدید بعضی عبارات گفته بودید که هیچ ربطی به عمل نوشته نداشت، مثلاً بانک و راه آهن و غیره را عنوان کرده بودید، بعد از آن عریض حسابی شما در باب دخانیات به ما رسید، آن بود که حکم فرمودیم جناب امین‌السلطان به شما قول بدهد که موقوف خواهد شد. در داخله کتباً و تلگرافاً اظهار تشکر و مسرت عامه به عرض رسید مگر از شما، معنی این را هم نفهمیدم که یعنی چه و عمل صحیح به قاعده با احتراز از فساد و فتنه آن بود که بعد از موقوفی عمل دخانیات فوراً شما می‌رفتید در مسجد و منبر به مردم مرحمت و التفات ما را اعلان می‌کردید و هم استعمال دخانیات را فوراً تجویز می‌کردید، چرا که به قول ملاها مانع مفقود و مقتضی موجود بود، آن سببی که تنباکو را حرام کرده بود رفع و تمام شده، چرا این کار را نکردید؟ سبب و جهتش را هیچ نفهمیدم و مثل این است که ابداً دولت در موقوفی این کار اقدام نکرده باشد، این طور قرارداد نبود بکنید به عوام کالانعام یعنی چه؟ آیا عوام فریبی بنظر شما رسیده یا مسند خود را می‌خواهید به این واسطه رونقی بدهید؟ و باز هم در مجالس و محافل خودتان در عوض تحسین و تمجید برضد دولت و اولیای دولت حرف می‌زنید یعنی چه؟ من شما را آدم فقیر و شخص ملای بی‌غرض و دولت خواه می‌دانستم حالا برضد آن می‌بینم که اقتباس به مجتهد تبریز و آقای نجفی اصفهانی و غیره می‌کنید. آیا نمی‌دانید که کسی نمی‌تواند برضد دولت برخیزد؟ آیا نمی‌دانید که اگر خدا نکرده دولت نباشد یک نفر از شماها را همان با بی‌های طهران تنها گردن می‌زنند؟ آیا نمی‌دانید که اگر دولت نباشد زن و بچه شماها هرکدام به دست قزاق روسی و عسکر عثمانی و قشون انگلیس و افغان و ترکمان خواهد افتاد؟ حیف از شماست با علم و عقلی که دارید عقل خود را به دست چند نفر طلاب و اراذل و اجامر محله و شهر بدهید و به میل آن‌ها حرکت کنید. خلاصه چون خیلی لازم بود محرمانه این دستخط را به شما نوشتم، دیگر خود دانید. یک دفعه نصیحت لازم است و عجب خدمتی به ملت و مردم می‌کنید، هرس هم که تریاک کش نبود حالا چپوق تریاک می‌کشد، قلبان چرس را عجب رواجی دادند، مرده که بی جهت قلبان را ترک نمی‌کند لابد است برود یا تریاک بکشد یا چرس، یا هر نجاستی که گیرش بیاید سر قلبان بگذارد

بکشد و دیوانه شود، ناخوش شود، بمیرد، حقیقتاً خیلی اسباب استسقاء شده و السلام»<sup>(۱)</sup>

به علت اقدامات آقا نجفی در اصفهان بر علیه امتیاز رژی و اعلامیه او دایر بر قتل عام مسیحیان و اروپائیان، با موافقت شاه به تهران فرستاده شد و ناصرالدین شاه با توضیحاتی که داد او تعهد کرد که در اصفهان باعث شورش و قتل عام مسیحیان نشود، و اجازه گرفت که به اصفهان مراجعت کند. وزیر مختار انگلیس پس از اطلاع از تصمیم شاه ضمن نامه‌ای به امین‌السلطان نوشت که برگشت آقا نجفی به اصفهان باعث ظهور اغتشاش و خونریزی خواهد شد و تجار مسیحی که در اصفهان هستند احساس خطر خواهند کرد و از سفارتخانه‌های خود حمایت و جلوگیری از اقدامات مردم اصفهان را خواهند خواست.

شاه به امین‌السلطان گفت بنویسید که آقا نجفی تعهد کرده است که اقدامی بر علیه امتیاز رژی و مسیحیان ننماید.

نامه از «سردرومندولف» وزیر مختار انگلستان خطاب به امین‌السلطان

تقاضای ممانعت از رفتن آقا نجفی به اصفهان

مارک برجسته دولت انگلیس - فدایت شوم از قراری که از اصفهان شنیده‌ام آقای نجفی در شرف مراجعت بآنجا است. چون ورود مشارالیه در آن محل اسباب ظهور اغتشاش است سکنه اروپائی از این بابت خیلی واهمه نموده بدوستدار اصرار دارند که محترماً خاطر منیر ملوکانه را از وجوب سد راه صدمه و اذیت مجدد باصفهان را بواسطه فساد و فتنه‌انگیزی این شخص مستحضر دارد.

چون تجارت اصفهان رو بازدياد است و چندین تجارتخانه اروپائی در آن محل احداث شده است خیلی محل افسوس خواهد بود که حادثه‌ئی که اسباب واهمه سکنه اروپائی آنجا باشد حادث شود. در اینصورت آنها طبعاً از سفارتهای خودشان حمایت خواهند خواست - زیاده زحمتی ندارد.

۱۴ ذی قعدة ۱۳۰۷ مطابق ۱۲ جولای ۱۸۹۰ پشت کاغذ مهر «هنری درومندولف» (سند

شماره ۲۵)